

۱. متأسفانه برنامه‌های درسی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بسیار شبیه به هم و یا بهتر است بگوییم تکرار مکررات است. برای مثال کسی که مواد و خدمات کتابخانه برای کودکان را در دوره کارشناسی گذرانده، اغلب مجدداً همان مطالب را در دوره کارشناسی ارشد تحت عنوان «ادبیات کودکان» مطالعه می‌کند و یا دروسی چون مجموعه‌سازی، فهرست‌نویسی و مرجع‌شناسی چندان متفاوت نیستند. لازم است در برنامه‌های درسی رشته کتابداری

- تجدید نظر به عمل آید. شرح دروس نیز نیاز به بازنگری دارد، بخصوص که نیاز جامعه دائماً در تغییر است.
۲. کاستیهای روش تدریس مدرسان این رشته با توجه به تجربه شخصی (هم دانشجو و هم مدرس) این است که اغلب دروس به صورت واحدهای علمی و نظری توأماً باید تدریس شود ولی به علت کمبود امکانات آموزشی یا سهل‌انگاری مدرسان، این واحدها اغلب به صورت نظری تدریس می‌شود.
- می‌دانیم سالهاست که کتابداری در دنیا خود را با تکنولوژی روز هماهنگ کرده و مدرسان آن نیز خود را به دانشهای مربوط به کاربرد تکنولوژی جدید از جمله کار با کامپیوتر و استفاده بهینه از آن تجهیز نموده‌اند، ولی متأسفانه در ایران مدرسان این رشته اطلاعات مربوط به سالها قبل از کاربرد کامپیوتر را به اطلاعات روز ترجیح داده و به همان روشهای ۲۰ الی ۳۰ سال قبل تدریس می‌کنند. یکی از دلایل می‌تواند این باشد که خود با سیستمهای جدید اطلاع‌رسانی آشنا نیستند و به جای آموختن آن، از آن دوری گزیده‌اند.
۳. کتابخانه‌ها نیز اغلب دچار واپس‌نگری هستند و از مجموعه‌های جدید مرجع که برای این رشته حیاتی است و یا حتی کتابهای درسی مورد نیاز دانشجویان به تعداد کافی خبری نیست. شاید یک یا دو دانشکده در کل ایران وضع بهتری داشته باشند. عدم تخصیص بودجه کافی برای خرید کتاب و مواد غیرچاپی و عدم حضور متخصصان کتابداری در کتابخانه‌های دانشکده‌هایی که رشته کتابداری دارند از دلایل این امر است.
۴. وجود یک کارگاه آموزشی در کنار کتابخانه هر دانشکده برای دانشجویان رشته کتابداری از ضروریات است. در این کارگاه باید کتابهای رده‌بندی (ویرایشهای جدید)، حداقل به میزان ۱۰ جلد از هر رده موجود باشد. میکروفیش، میکروفیلم و دستگاههای خواندن آنها، دستگاههای صحافی و تکثیر، کامپیوتر و دستگاههای جانبی آن مانند چاپگر و... نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای، بانکهای اطلاعاتی کتابداری و



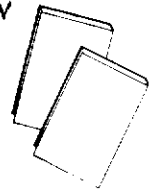
کتابهای مرجع تا دانشجویان عملاً با چگونگی مراحل کار در کتابخانه‌ها به صورت مفید و عملی آموزش ببینند.

۵. متأسفانه در اکثر گروههای کتابداری مدرسان یا بسیار جوان و بی تجربه هستند، یعنی اغلب فارغ التحصیلان یکی دو سالی اخیر این رشته در مقاطع کارشناسی ارشد که بدون کار مفید در کتابخانه‌ها به تدریس روی آورده و با مشکل روبه‌رو هستند، یا مدرسان بسیار قدیمی و با تجربه هستند که در تدریس تسلط کامل دارند ولی متأسفانه کمتر به مطالعات روزآمد می‌پردازند و بعضی از آنها حتی سالهاست که تماس با خارج از کشور نداشته و در سمینارها و کنگره‌های بین‌المللی نیز شرکت نکرده‌اند تا از تغییرات جدید این رشته آگاه شوند.

۶. متأسفانه خیر، زیرا در برخی موارد این رشته حتی به عنوان یک گروه آموزشی جدا در نظر گرفته نشده است و زیر نظر یک گروه دیگر مثل تکنولوژی آموزشی قرار دارد. حتی در گروههای آموزشی جدا هم، رابطه سازمان مادر با گروه گویا از سرناچاری است.

۷. نقاط قوت گزینش ارزیابی، زبان انگلیسی است، زیرا یک کتابدار باید با زبان بین‌المللی آشنا باشد تا بتواند ارتباط لازم فرهنگی را در محیط کتابخانه و برای اهل پژوهش و تحقیق فراهم نماید.

نقاط ضعف برگزاری امتحانات به صورت تشریحات که



در هنگام تصحیح نمی‌توان صددرصد از قضاوت انجام شده مطمئن بود ولی سؤالات تستی که حتی می‌توان با کامپیوتر به تصحیح آنها اقدام کرد مطمئن‌تر می‌نمایند. از طرفی تنها امتحان کتبی کافی نیست بلکه سنجش علاقه و تجربه دانشجویان در این رشته نیز ملاک است.

۸. متأسفانه رابطه مشخص و تعریف شده‌ای وجود ندارد و گویا فقط کافی است در یک دوره کوتاه مدت، کتابداری هرچند از نظر کیفی ضعیف، شرکت کرد تا ادعای کتابداری بودن نمود. البته این مورد از ضعف جداول تعیینی مشاغل سازمان امور اداری و استخدامی کشور نیز سرچشمه می‌گیرد. زیرا یک فرد دیپلمه که آموزش کوتاه مدت سازمان دیده، با فردی که کارشناسی، کارشناسی ارشد و حتی دکترای این رشته را دارد نیز صرفاً کتابدار نامیده می‌شوند.

۹. رابطه گروههای آموزشی با یکدیگر چندان حسنه نیست. حتی بعضاً یکدیگر را نیز انکار کرده و به سطح دانش و اطلاعات هم شک دارند! در حالی که این گروهها می‌توانند با همفکری و با تبادل تجربیات آموزشی در هرچه پربارتر ساختن آموزش این رشته و معرفی آن به جامعه مؤثر باشند. بهتر است حداقل سالی دوبار این گروهها با یکدیگر نشستی داشته باشند.

۱۰. فکر می‌کنم گروههای آموزشی کتابداری حتی برای گروههای آموزشی دیگر در همان دانشکده تا حدود زیادی ناشناخته مانده‌اند. دلیل آن نیز خود مدرسان گروه هستند که اطلاعات زیادی درباره رشته کتابداری که کلاً ناشناخته مانده، به مدرسان گروههای دیگر ارائه نمی‌دهند.

۱۱. خوشبختانه به علت توسعه روزافزون اقشار تحصیلکرده، نیاز به کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی هر روز بیش از گذشته محسوس است، لذا بازار کار بخصوص در شهرهای بزرگ و دانشگاهی برای فارغ التحصیلان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد گرم است. ولی این افراد عملاً پس از درگیر شدن در کار اغلب دچار سرخوردگی و کم کاری و حتی ترک شغل خویش می‌گردند. زیرا رؤسای ادارات، سازمانها و... اغلب با این مسأله که کتابخانه محلی پرهزینه است که در دراز مدت منجر به رشد فرهنگی و تحقیق می‌شود آشنا نیستند و از دادن امکانات لازم به این افراد برای ارائه خدمات سرباز می‌زنند.

۱۲. پیشنهاد می‌شود آموزش این رشته همراه با عمل باشد و هرچه سریعتر کتابداران را با دانش ذخیره و بازبایی اطلاعات از طریق کامپیوتر آشنا سازند. برای این منظور حتی می‌توان از اساتید بین‌المللی این رشته نیز دعوت به عمل آورد.

